میراث حدیثی امام هادی علیه السلام

تدوینی[1] از چند گفتار از آیت الله سیداحمد مددی زیدعزه

امام هادی علیه السلام نقش مهمی در میراث روایی ما داشته اند که گمان می کنم علمای ما در این جهت حق ایشان را ادا نکرده اند.

از زمان امام هادی به سامراء می گفتند: «ناحیه مقدسه»، چون حضرت که حبس بودند، امام عسکری (ع) و شیعیان غالباً تا بغداد می آمدند و با وکلاء در بغداد تماس می گرفتند.

از حرم‌هایی که مسلما یقینا ملک شخصی بقیة الله (ع) است همین حرم سامرا است که جزو وقف یا اباحه نیست، بلکه ملک خود حضرت (ع) است، چون بعد از امام هادی(ع) به پسرشان و بعد از ایشان هم به حضرت بقیة الله(ع) رسیده است. یکی هم حرم خود پیغمبر(ص) است، به اعتبار اینکه منزل پیغمبر(ص) بوده و به حضرت زهرا(س) به ارث رسیده و بعد به ائمه علیهم السلام. بقیه مشاهد وضع روشنی به لحاظ ملکیت ندارند.۲

ظاهرا اسم خود محله عسکر بوده، نه اینکه پادگان باشد، حی العسکری بوده است، احتمالاً نظامی ها آنجا ساکن بودند.

حسن بن راشد بغدادی

در غیبت صغری مرحوم عثمان بن سعید عمری قدس الله نفسه حدود شش سال دوران وکالتش بود، مرحوم عثمان بن سعید از زمان امام هادی (ع) وکالت داشت، بعد هم زمان امام عسکری (ع)، بعد هم زمان بقیه الله (عج) شش سال تقریباً بیشتر طول نکشید، سپس فوت کرد. از سال ۲۶۶ به بعد پسر ایشان ابوجعفر محمد بن عثمان تا سال ۳۰۴، یعنی حدود سی و هشت سال وکیل بودند. مقدار زیادی افتراق های طائفه زمان ایشان ایجاد شد، یک عده مدعی بابیت شدند. نصیري ها (محمد بن نصیر بن نمیری) زمان ایشان جدا شد؛ در همان بغداد محمد بن عثمان را قبول نکرد و بعد برای خودش ادعای نیابت و وکالت کرد و بعد هم چون معروف شد به کارهای دیگر، فرار کرد و رفت بصره و از آنجا هم رفت لبنان در جبال لبنان لاذقیه، که الآن به آنها می گویند: علوی. همین علوی های که در شام هستند، این ها نصیری اند؛ اتباع محمد بن نصیر اند که البته در آنجا افعال زشتی هم به آنها نسبت داده شده است؛ الله اعلم.

---

۱ . از آنجا که این متن ترکیب چند گفتار استاد است و ایشان در هر موضعی، به مناسبت نکته ای را بیان فرمودند لذا طبیعی است که در مقام احصاء مطلب نبوده اند.

۲ . بقیع هم ملک عقیل بوده است؛ زیرزمینی داشته که قبور ائمه علیهم السلام در زیرزمین خانه عقیل بوده است. ظاهرا بعد مثلا یا وقف شده یا تغییر ملک شده جزو مقابر مسلمین قرار گرفته است.

نجف هم تپه‌ای بوده و قبر امیرالمومنین (ع) آماده بوده است.

کربلا هم که بیابان بوده است؛ گفته شده که امیر المومنین(ع) آن را خریده بودند. شاید خریدن اصطلاحی والا به حسب ظاهر که بیابان بوده است.

کاظمین، مقابر قریش بوده در بغداد که قبل از موسی بن جعفر(ع) وقف نبود، آزاد بود (ملک شخصی نبود) به اسم مقابر قریش.

مشهد هم که باغ شخصی حُمَید بن قَحطَبه است که هارون را آنجا دفن کرده بودند، بعد هم حضرت (ع) را آنجا دفن کردند. ظاهرا بعد هم شاید آزاد شده از ورثه یا غیر ورقه ملکیتی برایش نیست. تنها جایی که به عنوان ملک الان مطرح است همین حرم سامرا است. این خانه شخصی حضرت هادی(ع) بوده است. مدتی هم یکی از علما می گفتند: وارد صحن نشوید، چون خانه شخصی است، باید اذن شخصی از بقیة الله (ع) باشد، چون ملک شخصی است. از این جهت با بقیه حرم‌ها فرق می‌کند.

روایت معروفی هست که امام هادی(ع) فرمودند که خمس از منصب امامت است. این هم حدیث صحیحی است متعلق است به ابو علی بن راشد (ابو علی بغدادی یا حسن بن راشد) ایشان وکیل مطلق حضرت هادی(ع) بودند، در بغداد بودند. شیعه‌ها به ایشان مراجعه می‌کردند. وجوهات را برای ایشان می‌آوردند که ایشان به ناحیه مقدسه سامرا که تقیه فوق العاده شدید بود می‌رساندند. چون حضرت زیر نظر بودند، عده ای از شیعیان اموالشان را می آوردند بغداد و به وکلایی همچون «ابوعلی ابن راشد» می دادند که از علما و شخصیتی بزرگوار است. به او «ابوعلی بغدادی» هم گفته می شد. در زمانیکه امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام در سامراء بوده اند، پایتخت را به سامراء بردند و بعدش دوباره به بغداد بازگرداندند. در این مدت که ایندو امام تحت حبس خانگی بودند، رابط مهم شیعه عده ای وکلا بودند که در بغداد بودند، هم سوال ها را دریافت می کردند و هم خمس و نذورات و.. یکی از بزرگترین شخصیت ها در این فترت زمانی همین ابوعلی راشد است که به او ابوعلی بغدادی هم می گویند. برخی از معاصرین نوشته اند که مرجعیت شیعه از کجا شروع شد؟ اولین مرجع شیعه همین ابوعلی بغدادی است که مرد فاضلی بوده است. پس از اینکه ابوعلی معروف شد، خلیفه دستور داد ایشان را با دو نفر دیگه در دجله غرق کردند.

زیارت هایی که از امام هادی (ع) نقل شده است سه مورد است:

۱. زیارت جامعه کبیره
۲. زیارت غدیریه امیرالمومنین (ع)
۳. زیارت سیدالشهدا (ع) معروف به ناحیه مقدسه

۱. زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره خطاب به جمیع ائمه (ع) است و الان ما چنین زیارتی با این تفصیل، از هیچ امامی نداریم.

آنچه در دنیای اسلام پیرامون بررسی حدیث تا حالا بحث شده این سه قسمت است: صدور، متن و مضمون. کسانی که دنبال حجیت خبر بودند بیشتر روی صدور کار کردند، کسانی که دنبال حجیت خبر نبودند و خبر را قبول نداشتند آنها روی مضمون کار کردند، کسانی هم بودند که روی قرائن بودند ممکن بود بین همه جمع بکنند و لذا ما عرض کردیم حدیث را از این سه جهت می بایست بررسی کرد.

زیارت جامعه به لحاظ صدور ارزش خیلی بالایی دارد؛ اگر مطلبی در مکتب قم و در مکتب بغداد جا بیفتد ارزش خیلی بالایی پیدا می کند؛ مثل همین زیارت جامعه. این زیارت جامعه را اگر از زاویه مصدری نگاه بکنید چون اول مرحوم صدوق آورده، مرحوم کلینی ندارد و بعد از مرحوم صدوق هم مرحوم شیخ طوسی در بغداد می آورد و اینگونه بین شیعه جا افتاد. انصافا چنین مصادری ارزش خیلی بالایی پیدا کردند.

شیخ صدوق این زیارت را با واسطه از محمد ابن أبي عبد الله الكوفي(محمد بن جعفر اسدی کوفی) نقل می کند و شیخ کلینی هم خدمت ایشان رسیده است . ایشان از شخصیت های کلیدی و برجسته و از نواب نائب دوم یا سوم هستند. برای نشر دعوت شیع به ری آمده بودند و مرحوم صدوق توسط عده ای از مشایخ قم آثار ایشان را نقل می کنند. خیلی جلیل القدر و بزرگوار هستند و فکر می کنم در حالت کتمان و تقیه بوده است، خصوصا که به خاطر نشر دعوت آمده است لذا مشایخ مشهور نقل نکرده اند. مشایخی که مرحوم صدوق از این آقا نقل می کنند به نظر ما درجه ۳ و ۴ و ۵ هستند؛ دو هم نیستند، اما مطالب مهمی هم گاهی نقل شده است مثل زیارت جامعه.

از حیث مضمون و متن هم بسیار فضیلت دارد؛ می دانیم که خیلی ها از این راه وارد شدند که متانت متن برای قبولی آن کافی است. واقعش هم زیارت عجیبی است به لحاظ متن که بی نظیر است، نه این که کم نظیر است. شما الان یک صفحه از زیارت جامعه را ده بار بخوانید بعد کتاب را ببندید بخواهید مثل نیم سطرش را بنویسید نمی توانید بنویسید، نه شما هیچ کس نمی تواند بنویسد. متن خاصی است؛ فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق است. انصافاً زیارت جامعه دارای عجایب و غرایبی است و به لحاظ مضمون نیز مضامین فوق العاده ای دارد؛ متن هم از حیث الفاظ و انتخاب الفاظ دارای یک آهنگ خاصی است که عادتا از غیر معصوم بر نمی آید. مضامین آنها به صورت قطعه قطعه در بسیاری از روایات با اسانید مختلف تکرار شده است که می توان آنها را تجمیع کرد؛ این روش مصدریابی است که راه بسیار خوبی است برای اصالت بخشیدن به یک حدیث و مقدار تأثیر و تأثر آن حدیث.

۲. زیارت غدیریه

از دیگر زیارت های امام هادی (ع) زیارت امیرالمومنین (ع) در روز غدیر است که همچون زیارت جامعه، متن بسیار فاخری دارد. حضرت در این زیارت به حدود ۵۰ آیه از قرآن استشهاد می کند. متن آن خیلی سنگین است، متن سنگین دو گونه است: گاهی به لحاظ ادبی متن سنگین است مثل بعضی از متون عرفانی همچون مقامات حریری. گاهی متن سنگینی مثل قرآن است که صلابت خاص، متانت خاص و آهنگ خاصی دارد. به سبک خاصی مفاهیم را مطرح می کند.

۳. زیارت ناحیه مقدسه

دو زیارت ناحیه مقدسه داریم. یکی سند دارد، یکی بی سند است. آن که اولش سند دارد هم سندش مشکل دارد، چون در سندش شیخ طوسی از ابن عیاش نقل می کند: «عَنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَيَّاش» المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص: ۴۸۶. شیخ طوسی اصولا ابن عیاش را درک نکرده است؛ ابن عیاش ۴۰۱ وفاتش است و شیخ طوسی ۴۰۸ بغداد آمده است. اصلا ابن عیاش را ندیده و هیچ وقت هم از ابن عیاش نقل نمی‌کند. به هرحال منتهی می‌شود به ناحیه مقدسه: «خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْن» مقصود از ناحیه در اینجا سامرا است. سال ۲۵۲، زمان امام هادی است سلام الله علیه. زیارت ناحیه مقدسه معروف نیز بعد از این ذکر شده است. این زیارت ناحیه مقدسه هم متعلق به امام هادی (ع) است نه حضرت مهدی (عج).

۴. رساله جبر و تفویض

رساله ای است منسوب است به امام هادی (ع) به اهل اهواز در نفی جبر و تفویض، این رساله منحصراً در کتاب تحف العقول آمده است (در الاختصاص هم آمده است). امام در آنجا مصادر تشریع، یعنی کتاب و سنت را به همراه اجماع مسلمین مطرح می کنند. شواهد تقیه در این روایت زیاد است، مضافاً به ضعف سند. عنوانش چنین است:

«و روي عن الإمام الراشد الصابر أبي الحسن علي بن محمد ع في طوال هذه المعاني

رسالته ع في الرد على أهل الجبر و التفويض و إثبات العدل و المنزلة بين المنزلتين »

حضرت در این رساله تمسک به اجماع می کنند:

«قَدِ اجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ قَاطِبَةً لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ أَنَّ الْقُرْآنَ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهِ عِنْدَ جَمِيعِ أَهْلِ الْفِرَقِ وَ فِي حَالِ اجْتِمَاعِهِمْ مُقِرُّونَ بِتَصْدِيقِ الْكِتَابِ وَ تَحْقِيقِهِ مُصِيبُونَ مُهْتَدُونَ وَ ذَلِكَ بِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ فَأَخْبَرَ أَنَّ جَمِيعَ مَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ كُلُّهَا حَقٌّ هَذَا إِذَا لَمْ يُخَالِفْ بَعْضُهَا بَعْضا»

ما تحلیل ریشه های اجماع را از زمان اهل بیت (ع) شروع کردیم. تمسک به این حدیث «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ» خیلی عجیب است، البته اجماع را معنا می کند که کل امت اسلامی (شیعه و سنی) باید هم نظر باشند، مثل قبول داشتن قرآن، البته به شرطی که دین داشته باشند «عِنْدَ جَمِيعِ مَنْ يَنْتَحِلُ الْإِسْلَامَ مِمَّنْ يَعْقِلُ عَنِ اللَّه». تعبیر «وَ قَدِ اجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ قَاطِبَةً لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُم»، مشابه تعبیر در حدیث عمربن حنظله است: «يُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ فَإِنَّ الْمُجْمَعَ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيه » (الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏۱، ص: ۶۷). در این متن نیز مثل زیارت غدیریه به آیات ارجاع می دهند.

۵. توقیعات

یکی از کتاب هایی که در آن زمان نسبتا در توقیعات ائمه بیش از بقیه شهرت داشته مجموعه توقیعاتی بوده که از امام هادی بوده، من عرض کردم انصافا خود علمای شیعه هم در این جهت کوتاهی دارند، فضلا عن دیگران. اگر مجموعه آن چه که از امام هادی مخصوصا در این توقیعات رسیده خیلی مطالب علمی عجیبی دارد، فراوان، خیلی نکات خاصی دارد. ما در بین ائمه متاخر بیشترین امامی که از او توقیع داریم حضرت هادی سلام الله علیه است و خیلی چاره ساز و کار ساز هم هست. به عنوان مثال در مساله رویت هلال سه روایت از امام هادی داریم که خیلی تاثیرگذار است و جمیع مشاکل را حل می کند، لکن چون در کتاب وسائل یک جا نیاورده و جمع نشده، درست فهمیده نشده است.

خیلی خوب است اگر خداوند توفیق بدهد یک مجموعه ای از توقیعات امام هادی و زیارات ایشان وکلمات ایشان جمع آوری بشود، خیلی فوق العاده می شود.

محمدبن عیسی بن عبید

مقدار زیادی از میراث های بغداد توسط ایشان به قم آمد، لذا طبق شواهد موجود احتمال می دهم ایشان در سفری به ایران، به ری و به قم آمده است. در این سفر عده ای از استفتائها را جمع کرده است؛ مخصوصاً آنچه که ما بیشتر در روایات ایشان دیدیم استفائات امام هادی(ع) است.

در زمان ما متعارف، استفتائات، چاپ می شود؛ در زمان سابق، مسائلی را که از ائمه (ع) می پرسیدند به صورت استفتاء و جواب می گرفتند، عده ای از علما اینها را جمع کردند اسم آنها را گذاشتند: «اسئلة الرجال و اجوبتها». در کتاب نجاشی چند کتاب به این اسم می بینید؛ «مسائل الرجال الی ابی الحسن الثالث و اجوبتها». یکی از آنها کار همین جناب آقای محمد بن عیسی است. ما الآن مقدار زیادی روایات داریم: «محمد بن عیسی عن فلان، قال کتب الیه»، آن «الیه» بر می گردد به امام ابی الحسن الثالث (ع)، یعنی امام هادی.

محمد بن عیسی عبیدی یقطینی را ابن الولید شبهه می کند، شاید ابن الولید دیده ایشان مثلاً سال دویست و هشتاد است، از سال صد و هشتاد هم خبر می‌دهد! خیلی غیر طبیعی است! گفته بعید است این مقدار عمر طولانی داشته باشد که هم استفتائات زمان امام عسکری(ع) را جمع کرده باشد و هم از شخصی به نام یاسین الضریر از حریز نقل کند؛ خیلی عجیب است! یا از علی بن یقطین که عموی پدرش است نقل می کند. علی بن یقطین وفاتش زمان موسی بن جعفر(ع) است؛

یعنی محمد بن عیسی می بایست، امام موسی بن جعفر(ع) را درک کرده باشد. بنابراین برخی شواهد، شبهه ابن الولید را تقویت می کند. آقایان همگی ذهنشان رفته روی نقل محمد بن عیسی عن یونس؛ اشکال اصلی این نیست.

توقیعات حمیری

عبدالله بن جعفر حمیری از بزرگان و اجلاء اصحاب است. وفاتش نزدیک زمان مرحوم کلینی است. ظاهرا کلینی از ایشان نقل نمی‌کند، نمی‌دانیم چرا اما پسر ایشان، محمد بن عبدالله از مشایخ کلینی است. بنابراین عبدالله بن جعفر حمیری نام پدر است و محمد نام پسر است. کتاب قرب الاسناد متعلق به پدر است اما توقیعات حمیری از حضرت بقیة الله(ع) متعلق به پسر است. این توقیعات، تقریبا تا آنجایی که ما می‌دانیم آخرین تولید علم در قم است و آخرین موردی است که قمی‌ها از امام معصوم(ع) نقل کردند. ابتدای تولید علم در قم، اجداد احمد اشعری که به مدینه آمدند از امام صادق(ع) نقل کردند، بعدها عده‌ای از امام حضرت رضا(ع) و حضرت جواد(ع) نقل کردند و الا قمی‌ها بیشتر تنقیح میراث علمی کردند.
به هر حال «کتبت الی الرجل»، مراد از رجل حضرت هادی(ع) است. مجموعه سوالاتی را نوشته به حضرت هادی(ع) و حضرت جواب دادند.

مسائل الرجال

مرحوم ابن ادریس در بخش مستطرفات از کتاب السرائر کتاب مسائل الرجال از امام هادی (ع) را می آورد: «و من ذلك ما استطرفناه من كتاب مسائل الرجال و مكاتباتهم مولانا أبا الحسن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ع و الأجوبة عن ذلك» السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات)، ج۳، ص: ۵۸۱.
چون در غالب توقیعات دارد که کتبتُ إلیه، برخی ملتفت نشدند این إلیه یعنی امام هادی (ع) و گفتند: توقیع معلوم نیست و مثلا مضمر است. اینها توقیعاتی است که به امام هادی سلام الله علیه شده و این توقیعات خیلی تاثیرگذار است، انصافاً اگر کار مستقلی روی این جهت بشود خیلی خوب است.
از دیگر توقیعات، مسائل محمد ابن علی ابن عیسی است؛ البته شرح آن و تصحیح اسم و... بماند...

۶. تفسیر

مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلما اسم افرادی را می برد، کتاب هایی را هم نسبت می دهد که قبل از ایشان نسبت داده نشده، گاهی کتاب های عجیب غریبی را نسبت می دهد، به الحسن بن خالد البرقي (که عموی برقی پسر می شود و برادر محمد) تفسیری از امام هادی (ع) در ۱۲۰ جلد نسبت می دهد که جای دیگر هم غیر از این کتاب نیامده! «تفسير العسكري من إملاء الإمام (ع) مائة و عشرون مجلده» یک تفسیر از امام در ۱۲۰ جلد خیلی حرف عجیب غریبی است. از این شخص، در کتب ما یک نیم سطر روایت نقل نشده، فضلاً عن ۱۲۰ جلد!
مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ هم احتمال دادند که این تفسیر امام عسکری (ع) همان تفسیر حسن بن خالد برقی است لیکن بین این دو بزرگوار اشتباه شده، اما این کتاب که ربطی به امام هادی (ع) ندارد. یعنی این کتاب که واضح است که نوشته خدمت امام عسکری (ع) رسیدیم و اسم حسن بن خالد برقی در آن نیامده اصلاً ! علاوه براین همین تفسیر هم که الآن ناقص است تکمیل بشود ۱۲۰ جلد نمی شود.